

"چپ" محور مقاومتی، هواداران خامنه ای "ضد امپریالیست"!

صفحه ۳

سیاوش دانشور

"نه به اعدام"

باید از این "نه" پلی ساخت به یک "آری": آری به...

صفحه ۴

علی جوادی

چرخش سیاسی پایه ای کنگره دوازدهم

پ.ک.ک و پیامدهای آن؛ بخش اول

صفحه ۶

رحمان حسین زاده

منصور حکمت چه میگوید!
فلسطین، از استقلال تا آزادی!

صفحه ۸

منصور حکمت

مردم غزه، قربانیان فاشیسم حاکم بر اسرائیل و جریانات
افراطی اسلامی و حماس

صفحه ۹

وریا روشنفکر

محور مقاومت دشمن چپ و همکار جمهوری اسلامی!

صفحه ۱۲

امیر عسگری

گزارشی از نشست ۸۰ مین
سالگرد رهایی از فاشیسم
آلمان!

صفحه ۱۶

امیر عسگری

اعلامیه حزب حکمتیست

اعتصاب سراسری رانندگان و
گامیون داران

صفحه ۱۵

۸۰۴
مصلحتی کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
Worker-communist Party of Iran
Hekmatist

۹ خرداد ۱۴۰۴ - ۳۰ مه ۲۰۲۵

اعلامیه حزب حکمتیست - ۲

اعتصاب کامیونداران

گسترش می یابد

مانور دولت و وعده های

ارزان را قبول نکنیم!

اعتصاب سراسری کامیونداران و رانندگان در هفتمین روز خود به بیش از ۱۳۵ شهر گسترش یافت. اعتصاب در استانها و شهرهای آذربایجان شرقی و غربی، خراسان شمالی، رضوی جنوبی، اصفهان، فارس، کرمان، سیستان و بلوچستان، هرمزگان، سمنان، قزوین، گیلان، مازندران، گلستان، مرکزی، همدان، خوزستان، کرمانشاه، ایلام، سنندج، مریوان، ملایر، بروجرد، خرمآباد، ساوه، تهران، بندرعباس، سرپل ذهاب، مریوان، سیرجان و شهرهای دیگر علیرغم سرکوب نیروهای امنیتی و استفاده از سیاست ضد کارگری اعتصاب شکنی تشدید شده است.

گسترش اعتصاب و نرسیدن کالاها و مواد اولیه، مواجهه شدن تدریجی

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

اعلامیه حزب حکمتیست - ۲

اعتصاب کامیونداران گسترش می یابد مانور دولت و وعده های ارزان را قبول نکنیم!...

جایگاههای سوخت با کمبود، پتانسیل گسترش اعتصاب به بخشهای دیگر حمل و نقل از جمله پیوستن نيسانداران موجب شکستن سکوت حکومتیها شد. از سوئی به «جرم» اعتصاب میزنند و بازداشت و پرونده سازی میکنند و از سوی دیگر در مجلس و دولت از «رانندگان عزیز و خدوم» حرف میزنند! قدرت اعتصاب موشها را از سوراخشان بیرون کشیده و تلاش دارند با وعده وعید ارزان اعتصاب را بخوابانند. امروز چهارشنبه هفتم خرداد، فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت گفت: «چنانچه کامیونداران در مسیری که بارنامه الکترونیکی صادر شده است، حرکت کنند، هیچگونه تغییر قیمتی برای آنها وجود نخواهد داشت و میتوانند در جایگاهها با همان نرخ قبلی سوختگیری کنند و تغییر نرخ تنها در صورتی خواهد بود که از مسیر تعیین شده خارج شوند.» روز چهارشنبه طی جلسهای متشنج نمایندگان سازمان راهداری، پلیس، سپاه و بیمه تامین اجتماعی با نمایندگان کامیونداران و رانندگان سراسر کشور، وعده تحقق دو خواست رانندگان یعنی حل مشکل سهمیه سوخت و بیمه تأمین اجتماعی را طی یکماه آینده دادند.

اما افزایش سهمیه سوخت، رفع مشکلات بیمه‌ای، بهبود نرخ کرایه حمل بار و اعتراض به سه نرخي شدن سوخت، بخشی از خواستهای کامیونداران است. همزمان با عقب نشینی و وعدههای بیپشتوانه سرکوب و بازداشت رانندگان کامیون در شهرهای مختلف ادامه دارد. آزادی اعتصابیون بازداشت شده، امنیتی نکردن حق اعتصاب و اعتراض، افزایش نرخ حمل بار، کاهش عوارض و مالیات، بهبود زمان انتظار و وضعیت جایگاهها و باراندازها، تامین قطعات و سهمیه لاستیک، اعتراض به ناامنی در جادهها از دیگر خواستهای رانندگان کامیون است. رانندگان از کرایه کم و هزینه زیاد، از کمیسیونهای غیر متعارف و دلایلی زالی، از بار سنگین و غیر ایمن و از بیعدالتی و پایمال شدن حقوق حقشان به تنگ آمدهاند. نفی این اوضاع تنها با تقویت اتحاد و پایداری و گسترش اعتصاب ممکن است.

به قدرت کوبنده اعتصاب باور کنیم!

پیوستن رانندگان حمل سوخت بویژه در پالایشگاه آبادان یک اتفاق مهم در اعتصاب است. پیوستن رانندگان بخش انرژی و حمل و نقل شهری نیروی عظیمی به اعتصاب میدهد. حمایت بخشهای مختلف کارگری از اعتصاب سمبولیک و حمایتی تا اعتراض به سرکوب اعتصابیون به قدرت و تداوم اعتصاب میافزاید. رانندگان کامیون در شهرهای مختلف از تداوم اعتصاب تا رسیدن به خواستها از جمله اعتصاب در سه روز آتی سخن گفتهاند. اعتراض و اعتصاب یک حق بدیهی است، این سرمایهداران و حکومتیها هستند که بجرم پایمال کردن حقوق ما باید جواب پس دهند.

علیه سیاست ضد کارگری اعتصاب شکنی!

همزمان سیاست اعتصاب شکنی و تحریک علیه اعتصابیون تشدید شده است. از جمله جمهوری اسلامی تلاش میکند با تحریک کشاورزان دلیل مشکلات آنها را اعتصاب کامیونداران قلمداد کند. ایجاد تفرقه میان رانندگان، استفاده از نیروهای حکومتی برای شکستن اعتصاب، تبلیغات وارونه کمبود نیازها بدلیل اعتصاب؛ همه تلاش دارند حمایت از اعتصاب را محدود و اعتصاب را به شکست بکشانند. این سیاستهای کلاسیک سرمایهداران در اعتصاب کارگران بویژه در بخشهای کلیدی و حساس است. مواجهه با اعتصاب شکنی و خنثی کردن تبلیغات ضد اعتصاب یک رکن اساسی پیشروی و پیروزی اعتصاب و حفظ و تقویت اتحاد درخشان کنونی اعتصابیون است.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به اتحاد و اعتصاب سراسری رانندگان کامیون درود میفرستد. فراخوان ما به رانندگان بخشهای مختلف حمل و نقل، به کارگران صنایع مختلف و به مردم آزادیخواه در چهارگوشه کشور اینست که از اعتصاب سراسری رانندگان و کامیونداران حمایت کنید. به سرکوب اعتصابیون اعتراض کنید و خواهان آزادی فوری بازداشت شدگان شوید. کشاورزان باید پاسخ تحریک حکومت را با بستن جاده ها و اعتصاب بدهند. اعتصاب شکنان را متوجه اقدام مضرشان کنید. تلاش کنید با اعتصاب همراهشان کنید. اعتصاب شکنی یک بازوی سرکوب اعتصاب و همراهی با سیاست سرکوب حکومتی است. زنده باد اتحاد و اعتصاب!

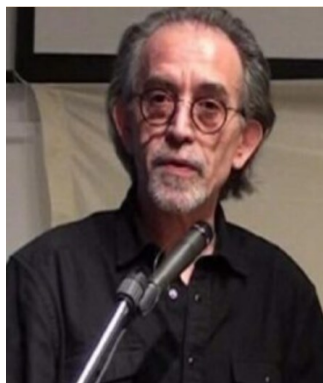
مرگ بر جمهوری اسلامی

آزادی، برابری، حکومت کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۷ خرداد ۱۴۰۴ - ۲۸ مه ۲۰۲۵

مرگ بر جمهوری اسلامی!



ضد کاپیتالیسم بودن با گروه خونشان جور درنمیاید، سهل است، طرفدار مرتجعترین نیروهای دستساز همان آمریکا و اسرائیل و جمهوری اسلامیانند. اینها حاشیه‌های بر بسیج و سپاه و سازمانهای امنیتی رژیم اسلامیانند که کارشان حمله به کمونیسم و حرکت سوسیالیستی و رادیکالیسم کارگری است.

عکس برگردان این فرقه، جماعت سلطنت طلب و راستهای بیترمزد که فرصت را غنیمت شمرده و بر طبل توخالی شعار "ارتجاع سرخ و سیاه" شاهنشاه سرنگون شده‌شان میکوبند. برای هواداران "بی بی" و ترامپ، شاخه بسیج اطلاعات و سپاه و بیغم از هر درد جامعه، کیسه بوکس مناسبی برای حمله به کمونیسم است. از این همه بیسوادی و بیحیائی خجالت هم نمیکشند! دقت کنید که اینروزها از ترامپ تا خامنه‌ای و سلطنت طلب و حزب دمکرات و ناسیونالیستهای متفرقه، انگار که نماز شب و نیایش طبقاتیشان را بجا میآورند؛ متحد و ارکستره علیه کمونیسم لیچار میبافند. دراین فضای مسموم چه بهانه‌های بهتر از حرکت سفارشی و نمایشی تعدادی بسیجی فرصت طلب و نان به نرخ روز خور برای دمیدن در شپیور آنتی کمونیسم؟

زمانی حزب توده و سازمان فدائی اکثریت هوادار "امام خمینی ضد امپریالیست" بود. خمینی را البته همان امپریالیستها سر کار آوردند تا کمونیستها و جنبش کارگری- شورائی را سرکوب کند و از دست چپی درآمدن انقلاب ایران در متن جهان دو قطبی آنروز ممانعت کند. خمینی نهایتاً تظاهر به ضدآمریکائیگری میکرد و مدافع پروپاقرص سرمایه‌داری بود. این جماعت ورژن توده‌ایسم جدیداند که خامنه‌ای را "ضد امپریالیست" و "رهبر محور مقاومت" میدانند. تفاوتشان با امثال علما و آخوندهای حکومت اینست که عمامه ندارند، اما یک حرف میزنند و یک سیاست دارند، یکی با زبان و ادبیات اسلامی و دیگری با روکشی از ادبیات چپ. این باصطلاح محور مقاومت که بهتر است محور رانت و تملق و جاسوسی نام بگیرد، امروز بدنبال کرنش رژیمشان به "محور سازش" با آمریکا و توجیه مذاکره با "امپریالیسم" بدل شدند و دیگر حرفی برای زدن ندارند. قتلعام و نسلکشی اسرائیل علیه مردم فلسطین آنهم بعد از مدت طولانی

"چپ" محور مقاومتی، هواداران خامنه‌ای "ضد امپریالیست"!

سیاوش دانشور

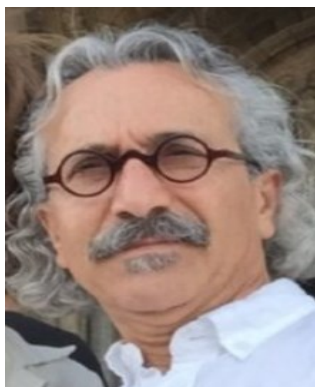
اجتماع قانونی چند ده نفر بسیجی و "چپ"های هوادار ائتلاف ورشکسته و ارتجاعی "محور مقاومت" در دانشگاه تهران به بهانه "دفاع از مردم فلسطین"، از سوئی با تمجید حکومتیها و روزی نامه‌های آن روبرو شد و از سوی دیگر موجبی برای هجمه راستهای سلطنتطلب به چپ بطور کلی و کمونیستها بطور اخص شد. داستان اینها مصداق آن مثل معروف است که "هم از توبره میخورند و هم از آخور!"

"چپ" البته درخود محتوایی ندارد، "محور مقاومت" به طیف موسوم به هواداران خشکه مقدسترین و مرتجعترین و دست راستترین جناح حکومت، مؤتلفین منطقه‌ای آنها مانند بشار اسد و دولت بعث سابق سوریه، حزبالله لبنان، حماس، حوثیها و جهادیهای متفرقه در منطقه اطلاق میشود. در سطح جهانی، این طیف نظر به ضد آمریکا و ضد غرب بودن، هوادار روسیه و چین و کره شمالی هستند. این جماعت حتی از تودهای و فدائی اکثریت دهه شصت مرتجعتر و عقبانده‌ترند. حزبالله‌ی و بسیجیهائی که از رانت حکومت برای ابراز وجود استفاده میکنند و اهداف و سیاستهای ارتجاعیشان را با ادویه ادبیات چپ استتار میکنند. هواداران دو آتشه حسن نصرالله و سپاه پاسداران و شکنجه‌گران فرزندان مردم نام "چپ" را بر خود نهاده‌اند تا در ارکستر ناهنجار طبقه بورژوازی و رژیم اسلامی علیه کارگر و کمونیسم و سوسیالیسم مزخرف ببافند و از ارتجاع و استبداد و شرفزدگی و عقبانندگی و "امپریالیسم خوب" دفاع کنند!

این جماعت "بفرموده" ظاهر میشوند، فاقد هر نوع پرنسپپ سیاسیاند، مواضعشان موج و ژله‌ای و تابعی از مزاج سیاسی رژیم اسلامی است. میگویند "ضد امپریالیست" اند اما وقتی ولی نعمتشان با آمریکا مشغول مذاکره است جرات ندارند از آمریکا اسمی ببرند و به مصرع شعار "مرگ بر اسرائیل" نماز جمعه اکتفا میکنند. این فرقه مهجور از چپ ضد یانکی هم کیلومترها عقبتر است، اینها مخالف آمریکا و اسرائیل اما هوادار چین و روسیه‌اند. درست برعکس سلطنت طلبان که مخالف روسیه و چین و هوادار آمریکا و اسرائیلاند. اینها اصولاً چپ به هیچ معنایی نیستند، ضدیتی با سرمایه و سرمایه داری ندارند،

ادامه در صفحه ۱۹

نه قومی، نه مذهبی، هویت انسانی!



خود نماد "آری" همیشگی به قتل، سرکوب، شکنجه و تحقیر است.

در همین ایستادگی بی زرق و برق خانواده‌ها، در چهره‌های غم خورده اما تسلیم نشده، تصویری از آینده رخ می‌نماید - آینده‌ای که در آن، مرگ و اعدام دیگر حکم نمی‌رانند.

"نه به اعدام"

باید از این "نه" پلی ساخت به یک "آری": آری به...

علی جوادی



اعدام، این مناسک شوم حکومت، تجسم عریان‌ترین شکل توهین به زندگی است. نه فقط جان را می‌گیرد، که شأن را له می‌کند؛ نه فقط فرد را حذف می‌کند، که کل جامعه را تحقیر و زخمی می‌سازد. اعدام، کریه‌ترین بیان رابطه قدرت طبقاتی حاکم با جان انسان است: رابطه‌ای که در آن، حکومت مالک مرگ است، و انسان صرفاً بدن قابل انهدام.

و عمق این جنایت، زمانی رسواتر می‌شود که در بستر حاکمیتی چون رژیم اسلامی رخ می‌دهد - رژیمی که از ابتدای شکل‌گیری اش، بنا به سرشت خود، با اعدام بنا شد؛ با خون تثبیت شد؛ و با سرکوب و مرگ ادامه یافت. در این حکومت، چوبه‌دار نه ابزار فرعی، که ستون فقراتش است: شیوه‌ای از حاکمیت که بر پایه نابودی، بر پایه ارعاب، بر پایه اشباع فضا با مرگ.

اما تاریخ را نمی‌توان برای همیشه با طناب دار نوشت. اعدام، دیگر نه ابزار مهار، که نشانه فرسایش نظام حاکم است. رژیم اسلامی به لحظه‌ای در تاریخش رسیده که اعدام‌هایش، نه اطاعت، که انزجار می‌آفریند. نفرت از حکومتی که برای هر سؤال، پاسخی جز سرکوب و مرگ ندارد. رژیمی که از آغاز تا کنون، به هر اعتراض با طناب پاسخ داده؛ برای هر اندیشه متفاوت سلول ساخته؛ و هر زن، کارگر، دانشجو و معلمی را که لب به اعتراض گشوده، به سوی زندان و چوبه‌دار رانده است. اما دیگر کار نمی‌کند. این خشونت کهنه، تنها نفرت می‌کارد.

جنبش "نه به اعدام"، جنبشی است برای گسست؛ نه گسستی صرفاً عاطفی، بلکه گسستی ریشه‌دار از نظامی که مرگ را اصل می‌پندارد و زندگی را به انقیاد می‌کشانند. و در دل این "نه"، تصویری نیز نهفته است: تصویری از فردایی بدون طناب دار، بدون قاضی مرگ، بدون حکم حذف و زندان سیاسی. فردایی که در آن انسان دیگر به‌خاطر

برای لحظاتی به این عکس خیره شوید. تصورش دردناک است؛ دردی همراه با شکوهی سرکوب‌ناپذیر. چهره‌هایشان را باید دید، نه برای اشک ریختن، بلکه برای حقیقتی که در آن نهفته است: انسان، هنوز، ایستاده است.

اوین. جایی که صدای هزاران تن زیر شکنجه خاموش شد؛ جایی که حافظه جمعی ما را با زخم و خون نوشته‌اند. این ایستادگی، در قلب تاریکی است؛ در دل دستگاهی که دهه هاست مرگ و وحشت را تولید و توزیع می‌کند.

در برابر دروازه‌های این زندان، نه فقط پدران و مادرانی ایستاده‌اند که فرزندان شان را برای آویزان کردن از طناب دار ربوده‌اند، بلکه گویا خود تاریخ ایستاده است - تاریخ سرکوب، تاریخ مقاومت، تاریخ در هم شکستن بدن‌ها و برخاستن اراده‌هایی که در هم نشکسته‌اند. تاریخ شکست نخوردگان! اینان، با دستانی که لرزش اشک و خشم را توأمان حمل می‌کنند، تصویر فرزندان و عزیزانشان را در برابر ماشین مرگ افراشته‌اند - نه به‌عنوان سوگ، بلکه چونان سندی علیه نظم و جنایت دستگاه اسلامی. علیه اعدام! این "نه"، در برابر زندانی ایستاده که

همیشه سرکوب گر بماند.

"نه به اعدام"

باید از این "نه" پلی ساخت به یک "آری":

آری به...

اندیشه، صدا، جنسیت، یا خواسته و مطالباتش نابود نمی‌شود. فردایی که در آن، خانواده‌ها فرزندان‌شان را در آغوش دارند، نه در قاب عکس. جامعه‌ای که در آن، مرگ دیگر شیوه حکومت داری نیست؛ بلکه زندگی، کرامت و رهایی، بنیان نظم نوین است.

اما این جنبش، نباید در سطح نقد به "مجازات اعدام" باقی بماند. باید به نفس نظام زندان سیاسی، به خود دستگاه اعدام، و به دولتی که با آن زنده است، پایان داد. اعدام - این قتل عمد برنامه ریزی شده دولتی - را تنها با برچیدن حکومت مرگ و اسلام می‌توان نابود کرد. این دو از هم جدایی ناپذیرند: تا یکی برقرار است، دیگری بازتولید خواهد شد. زندان، سرکوب، شکنجه و اعدام، نه ابزارهای استثنایی، بلکه ادوات ضروری، چرخ و مهره های این مناسبات‌اند.

مبارزه با اعدام، باید به بخشی از مبارزه با تمام اشکال حکومت سرکوبگر تبدیل شود؛ حکومتی که تنها نقاب عوض می‌کند: یک روز با نام اسلام، روز دیگر با شعار "شاه"، "وطن"، یا "نظم". در همه این اشکال، اصل یکی است: حفظ قدرت اقلیت استثمارگر حاکم از طریق حذف و سرکوب اکثریت توده مردم کارکن و زحمتکش. سلطنت طلبانی که امروز گاهی از سر تفنن، گاهی از سر عوامفریبی، ژست "حقوق بشر" می‌گیرند، فراموش نمی‌کنند - و نمی‌خواهند که ما به یاد جامعه بیاوریم که اعدام، سانسور، شکنجه و ساواک، و سیستم تک حزبی، میراث نظام آن‌ها بود. رژیم اسلامی ادامه رژیم سلطنتی است. پاگون پهلوی با عمامه اسلامی تعویض شد، اما ستون دار همچنان پا برجا ماند.

از طرف دیگر، نقد اعدام در این جامعه بی نقد سرمایه کافی نیست، ریشه ای نیست. سرمایه‌داری در ایران، سرمایه داری عریان، خشن و بی واسطه‌ای است، متکی بر نیروی کار ارزان. و ارزان ماندن نیروی کار، نیازمند دستگاهی است که مرعوب کند، تهدید کند، و بکشد. زندان، شکنجه و اعدام، ابزارهای بقاء این نظم‌اند. سرمایه، برای آن که انباشت شود، حکومتش، چه اسلامی، چه پادشاهی، باید بکشد. وقتی نیروی کار باید همیشه ارزان بماند، حکومت نیز باید

به آینده بنگریم. از این "نه"، باید پلی ساخت به "آری" دیگر: آری به جهانی انسانی، برابر، و آزاد از سرکوب و خشونت دولتی. آری به آینده‌ای که در آن، انسان نه موضوع مجازات، بلکه عنصر فعال خلاق تاریخ است؛ جامعه‌ای آزاد و سوسیالیستی، که مرگ نه ابزار سیاست، که تجربه‌ای انسانی، و زندگی، رفاه، و کرامت انسانی، جوهر مناسبات آن باشد.

ما آینده‌ای می‌خواهیم که نه بر مرگ، که بر زندگی و رهایی بنا شود. آینده‌ای بر پایه لغو کارمزدی، رهایی کامل نیروی کار و هر نوع فرودستی، و نفی هرگونه سلطه سیاسی و طبقاتی از سرمایه. آینده‌ای که در آن، انسان نه سوژه مجازات، بلکه خالق خود، تاریخ خود، زندگی خود و حاکم بر سرنوشت خود باشد.

و گام نخست در مسیر تحقق این هدف، آن است که جنبش "نه به اعدام" از قاب عکس‌ها، تصاویر پراکنده و تجمعات محدود عبور کند؛ از رسانه‌های مجازی به خیابان پا بگذارد، و از سوگ فردی، به خشم اجتماعی، کوبنده و سازمان یافته بدل گردد. تنها زمانی که این جنبش در تار و پود زندگی روزمره رسوخ کند - در مدارس، دانشگاه‌ها، محله‌ها، کارخانه‌ها، تبعیدگاه‌ها و حافظه جمعی بازماندگان - آنگاه است که می‌توان ابزار را از بنیاد فرو ریخت.



زنده باد شوراها!

نه به حجاب اسلامی! حجاب را آتش بزنید!



تصویب کرده اند. از جمله پایان دادن به فعالیت مسلحانه، اعلام آتش بس یکجانبه، انحلال پ.ک.ک. خیلی ها تصور میکنند، این تصمیمات غیره منتظره و به نظر آنها تحت فشارهای درون زندان، ناگهانی از جانب عبدالله اوجلان اعلام شده و طبق سنت مرید و مرادی

درون آن حزب به مصوبات کنگره دوازدهم تبدیل شده است. در صورتیکه هر کس با روند تغییر و تحولات سیاسی و سازمانی و پراتیکی پ.ک.ک. از آغاز دهه نود میلادی قرن بیستم آشنا باشد، این تصمیمات بدون پیشینه و تازه نیست. به دلایلی که در پایین اشاره میکنم اکنون به نقطه جوش بسیار تعیین کننده رسیده و به این دلیل مورد توجه قرار گرفته است.

۳- به نظرم تصمیمات چنان بنیادی را باید در متن تحولات وسیعتر اجتماعی سیاسی دید. نه صرفاً نتیجه تغییرات فکری سیاسی یک فرد و تبعیت چشم بسته یک جریان از آن. لازم است بر بستر تحولات جهانی، منطقه ای، تحولات بزرگ اقتصادی، سیاسی در جامعه ترکیه و کردستان ترکیه، و محدودیتهای فراوانی که برای بخش علنی و شاخه نظامی پ.ک.ک. به وجود آمده، و البته فشارها و محدودیتهایی هم که در ۲۶ ساله زندان بر اوجلان تحمیل شده، تصمیمات کنگره دوازدهم پ.ک.ک. را بررسی کرد. وضعیت پیش آمده برای پ.ک.ک. را در یک سطر با تسلیم طلبی و انحلال طلبی و حتی شکست نمیتوان توضیح داد.

۴- بگذارید از دلایل تصمیم به انحلال پ.ک.ک. شروع کنیم. واقعیت اینست جهان بینی، استراتژی، تاکتیکها، شیوه کار و فعالیت و حتی ساختار سازمانی که پ.ک.ک. در کنگره اولش به سال ۱۹۷۸ براساس آنها تاسیس شد، از آغاز دهه نود قرن بیستم تا کنون تماماً دستخوش تحولات جدی شده است. میدانیم که پ.ک.ک. در آغاز با استراتژی ایجاد دولت مستقل در همه بخشهای کردستان پا به میدان گذاشت. به این لحاظ میخواست تمایز غلیظ ترناسیونالیستی و به زعم خودشان "رادیکالیسم ناسیونالیستی" خود را با دیگر جنبشها و احزاب شناخته شده ناسیونالیسم کرد در بخشهای دیگر کردستان نشان دهند. البته این پدیده بی تأثیر نبود و در آغاز در چهارچوب جنبش

چرخش سیاسی پایه ای کنگره دوازدهم پ.ک.ک. و پیامدهای آن

**بخش اول؛ علل چرخش سیاسی بنیادی پ.ک.ک.؛
سخنرانی رحمان حسین زاده در کلاب هاوس**

حضار گرامی خوش آمدید. با تشکر از شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست کردستان و رفقای برگزار کننده این سمینار!

در مورد تصمیمات کنگره دوازدهم پ.ک.ک. تصورم اینست همه دوستان مطلعند و احتیاجی به بازگویی فاکتها نیست. عکس العملهای متفاوت براساس منافع و مصلحتهای جنبشهای متفاوت را نسبت به این رویداد مهم می بینیم. ما کمونیستها هم از منظر منافع و مصالح جنبش سوسیالیستی و کارگری در قبال این رویداد موضع گرفته و سیاست اتحاد میکنیم. علاقمند فشرده صحبتهايم را در چند محور دسته بندی کنم.

۱- واضح است اکنون فقط با فراخوان فردی اوجلان به عنوان رهبر پ.ک.ک. روبرو نیستیم. با تصمیمات کنگره یک شاخه قدرتمند سیاسی و نظامی جنبش ملی کرد (جنبش کردایه تی) مواجهیم. به قول خودشان با فاز جدیدی از فعالیت و حیات سیاسی این جریان روبرو هستیم. یک سؤال اینست چه ضرورتی دارد ما به مثابه جنبش سوسیالیستی و کارگری در کردستان و منطقه با حساسیت بالا در مورد تحولات اخیر این جریان صحبت کنیم؟ ما که بر فراز و فرود این جریان تأثیر نداریم و فراز و نشیب جنبش ملی کرد، بالا و پایین کردن جنبش سوسیالیستی و کارگری نیست! به نظر من ضرورت بالایی دارد که یک بار دیگر موقعیت جنبش ملی و ناسیونالیستی را در تحولات منطقه و در صحنه سیاسی کردستان ارزیابی کنیم. نشان دهیم بالا و پایین کردن آنها چه تأثیراتی بر جامعه دارد. نقطه عزیمت ما باید در جهت تقویت جنبش سوسیالیستی کارگری در جامعه کردستان باشد.

۲- قرارهای کنگره دوازدهم پ.ک.ک. تصمیم روتین و نرمالی نیست، بلکه چرخش پایه ای استراتژیک، سیاسی و حتی تاکتیکی و ساختاری در جنبش وسیعی است که خود آنها به عنوان جنبش آپونیستی از آن اسم میبرند. این چرخش را در کنگره اخیر در سه محور فرموله و

چرخش سیاسی پایه ای کنگره دوازدهم

پ.ک.ک و پیامدهای آن

بخش اول؛ علل چرخش سیاسی بنیادی پ.ک.ک؛

سخنرانی رحمان حسین زاده در کلاب هاوس...

ناسیونالیستی کرد سمپاتی وسیعی برایشان ایجاد کرد. علیرغم ظاهر فریبنده آن، اما بسیار زود معلوم شد طرح "دولت مستقل چهارپارچه" کردستان غیرواقعی و غیر عملی است. طالبانی یکی از رهبران شناخته شده جنبش ملی کرد طنزگونه در جایی گفته است (ایجاد دولت چهارپارچه کردستان را مگر در شعر شاعران جستجو کرد).

با تحولات جهانی منطقه ای بعد از جنگ خلیج در سال ۱۹۹۱ و شکست رژیم بعث، منطقه کردستان عراق از زیر کنترل رژیم صدام حسین خارج شد. با اتکا به حمایت آمریکا و غرب دو حزب ناسیونالیست کردستان عراق، اتحادیه میهنی و حزب دمکرات کردستان عراق به قدرت پرتاب شدند. در چهارچوب کشور عراق، دولت فدرال کردستان را تشکیل دادند. کردستان عراق به عنوان یکی از بخشهای مهم "چهار پارچه" مسیری مغایر با جهان بینی پ.ک.ک را در پیش گرفت و اولین حفره بزرگ را در استراتژی استقلال طلبی پ.ک.ک ایجاد کرد. فاکتور مهم دیگر به گل نشستن استراتژی استقلال طلبی پ.ک.ک به تحولات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی درون جامعه کردستان ترکیه مربوط است. گسترش سریع مناسبات سرمایه داری و گسترش شهرها و مناطق کارگری در جامعه کردستان ترکیه، از یک سو گسترش کمی و کیفی طبقه کارگر و همسویی کارگران کرد و ترک زبان را به همراه داشت و از سوی دیگر قدرتمند شدن هر چه بیشتر بورژوازی کردستان ترکیه و انتگره شده منافع اقتصادی و سیاسی آن با بورژوازی سراسری ترکیه را به همراه داشت. این تحولات جدی از نگاه رهبری پ.ک.ک و اوجالان دورنماند. از همان آغاز دهه نود میلادی و قبل از به زندان افتادن اوجالان، خود او و رهبری پ.ک.ک تلاش برای منطبق شدن با اوضاع اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جدید را در دستور کار گذاشتند.

کنار گذاشتن خواست استقلال کردستان اولین گام این شیفت بود. بر این اساس اعلام آتش بس یکجانبه و آمادگی برای سازش برسر مسئله

کرد در چهارچوب "دمکراتیزه کردن" ترکیه از زبان شخص اوجالان در سال ۱۹۹۳ به وقوع پیوست. از آن مقطع تاکنون به گفته مسئولین پ.ک.ک هشت بار دیگر تلاش برای سازش و آتش بس در جریان بوده و هربار توسط دولتهای ناسیونال شونیست حاکم بر ترکیه ناکام مانده است. در نتیجه بیش از سه دهه است، بورژوازی کردستان ترکیه و پ.ک.ک شریک شدن در قدرت سیاسی را از کانال فعالیتهای سیاسی اصلاح طلبانه "مدنی و قانونمند و انتخابات پارلمانی" پیگیری میکند. احزابی همچون ه.د.پ و ده م پارتی بر اساس جهان بینی و دیدگاههای تغییر یافته اوجالان این روند و این ترند را نمایندگی میکنند. فراکسیونهای خود را در پارلمان ترکیه شکل دادند. این وضعیت جنبش "آپونیستی" را عملاً به دو بخش تقسیم کرد. سالها است شاخه سیاسی این ترند، اکنون به طور مشخص "ده م پارتی" ادامه فعالیت بخش مسلح و قندیل نشین و با نام و فرمت پ.ک.ک را مانع فعالیتهای خود میداند.

۵- بن بست فعالیت مسلحانه :

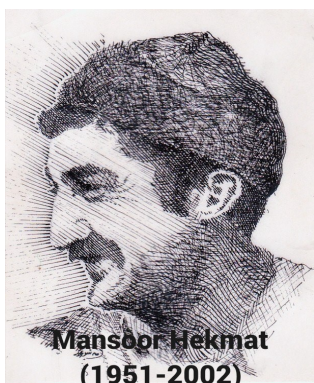
فعالیت مسلحانه برای احزاب ناسیونالیست و برای پ.ک.ک هم نه یک عرصه تاکتیکی، بلکه یک عرصه استراتژیک و هویتی است. با تحولاتی که در منطقه به وجود آمد این عرصه فعالیت پ.ک.ک با محدودیتهای فراوان روبرو شد. به ویژه از نیمه دوم سال ۱۹۹۸ پشت جبهه استقرار در سوریه و دره بقا را از دست دادند. در نتیجه فشار دولت ترکیه و بندو بست بین دولت حافظ اسد و حکومت ترکیه محل استقرار رهبری و پایگاههای نظامی گریلاهای پ.ک.ک در جغرافیای سوریه برچیده شد. عبدالله اوجالان مجبور به ترک سوریه شد. این وضعیت نه صرفاً محدودیت بلکه بن بست جدی برای فعالیت مسلحانه پ.ک.ک به وجود آورد. به نحوی که عملیاتهای نظامی و گریلایی این جریان در کردستان ترکیه به شدت محدود شد. بعد از دوره کوتاهی در رشته کوهستانهای قندیل مستقر شدند. از سر نیاز به استقرار در آنجا وارد رابطه و آوانس دادن با جمهوری اسلامی و همسویی با محور مقاومت اسلامی شدند.

با حمله حماس به اسرائیل و وقوع رویداد هفتم اکتبر ۲۰۲۳ و به دنبال

ادامه نسل کشی در غزه توسط فاشیسم حاکم بر اسرائیل علیه مردم غزه و فلسطین، کل معادلات خاورمیانه به هم ریخته است. محور تروریسم دولتی اسرائیل آمریکا در مقابل محور مقاومت تروریسم اسلامی و جمهوری اسلامی دست بالا پیدا کرده است. بخش علنی و نظامی

ادامه در صفحه ۲۰

کارگر، معلم پیاخیز، برای رفع تبعیض !



استقلال فلسطین تناسب قوا و چهارچوب تحول سیاسی در منطقه را بهبود میدهد. به نفع امنیت کودک فلسطینی و عابر اسرائیلی است.

اما آزادی مردم فلسطین، خلاصی مردم اسرائیل از

جنایاتی که بنامشان میشود و رهایی شان از موقعیت یک ملت ستمگر، خلاصی هر دو سو از تروریسم و نفرتی که قومگرایی و مذهب در هر دو سوی این شکاف دامن میزنند به صرف استقلال فلسطین متحقق نمیشود. آزادی و رهایی در فلسطین و اسرائیل در گرو سوسیالیسم و سکولاریسم در کل منطقه است. در تشکیل کشور و یا کشورهای که در آن مردم مستقل از تعلقات و یا تصورات قومی و ملی و مذهبی خویش، بعنوان شهروندان متساوی الحقوق جامعه برسمیت شناخته شوند. استقلال فلسطین کمک میکند که نبرد طبقاتی در اسرائیل و فلسطین هر دو اوج بگیرد. با استقلال فلسطین منطقه به چپ میچرخد.

اکتبر ۲۰۰۰

منصور حکمت چه میگوید! فلسطین، از استقلال تا آزادی!

منصور حکمت

دولت اسرائیل همچنان به جنگ ننگینش با کودکان فلسطینی ادامه میدهد. امروز (۱۶ نوامبر) هشت نفر دیگر از جمله یک کودک نه ساله را با گلوله کشتند. و تازه از خشونت فلسطینی ها به آمریکا شکایت میکنند! بیش از ۹۰ درصد از ۲۴۰ قربانی حوادث اخیر فلسطینی اند و بخش اعظم آنها کودکان و نوجوانان اند. این در قاموس هرکس یک جنایت جنگی است. یک نسل کشی است. این نمونه مجسم تروریسم دولتی است. در حالیکه سران دول غربی و سیاستگذاران رسانه ها همچنان به حمایت یکجانبه از اسرائیل و کتمان این حقایق ادامه میدهند، افکار عمومی در غرب و حتی خود خبرنگاران و گزارشگران غربی به نفع فلسطینی ها و علیه دولت اسرائیل میچرخد. بسیج ضد فلسطینی و ضد عرب در غرب پس از پایان جنگ سرد دیگر به صورت قبل ممکن نیست. این شکاف عمیق میان پروپاگاند دولتی و برداشتهای مردم از وقایع جاری فلسطین، دیر یا زود بروز میکند. کودک فلسطینی ای که در راه مدرسه و یا در آغوش پدر زخمی اش جان میدهد، جامعه غربی را با ریاکاری ذاتی آراء حاکم و خطر رسمی رودر رو میکند. جای تردید است که دول غربی بتوانند سالهای بیشتری به این حمایت کور و غیر انتقادی از اسرائیل در مقابل اعراب ادامه بدهند.

در این شک نیست که بخش وسیعی از مردم در اسرائیل خواهان صلح و رابطه ای انسانی و عادلانه با مردم فلسطین اند. در این شک نیست که بخش وسیعی از مردم اسرائیل عمق ظلمی که در این نیم قرن بر مردم فلسطین رفته است را میشناسند و به آن اذعان میکنند. اما این کافی نیست. اسرائیل یک راست قومی و مذهبی بسیار قوی و فعال دارد که مرحله به مرحله و در هر قدم افق یک راه حل انسانی را کور میکند. رابین را اعراب نکشتند، اینها کشتند. این راست باید در یک جدال سیاسی داخلی از طبقه کارگر و سوسیالیسم و ترقی خواهی در این کشور بطور قطع شکست بخورد. این اتفاق هنوز رخ نداده است. بدون این تعیین تکلیف امیدی به صلح پایدار و یک راه حل عادلانه نیست. یک اسرائیل قومی و مذهبی نمیتواند یکسوی یک صلح عادلانه در منطقه باشد. استقلال فلسطین یک گام مهم به جلوست. این گام نه فقط ممکن است، بلکه اکنون دیگر اجتناب ناپذیر شده است.

مراسم گرامیداشت، سالگرد درگذشت:

فعال کارگری و کمونیست محبوب
مظفر صالح نیا

کمونیست و رهبر سرشناس
حسین مرادیگی (حمه سور)

شنبه ۳۱ مه ساعت ۱۵-۱۹

ÅRSTA FOLKETS HUS
STOCKHOLM, ÅRSTA TORG 5, 120 54, ÅRSTA

برگزار میشود. در کنار هم یاد دو شخصیت برجسته جنبش کمونیستی و کارگری، پرچمداران آزادی و برابری و سوسیالیسم را گرامی میداریم. ما آزادیخواهان و برابری طلبان و دوستان این عزیزان را به شرکت در این مراسم دعوت می کنیم.
برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره ۰۷۶۷۰۶۰۴۶۱ تماس بگیرید.

الهام صالح نیا
حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
۷ می ۲۰۲۵

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!



شبها نمی‌خواهیم، چون صداهای بزرگ و ترسناک می‌آید. مامان می‌گه این صدای جنگنده‌ست. یکبار صدا خیلی نزدیک اومد، دیوار ترک برداشت. من فقط گریه کردم و مامانم بغلم کرد. دیگه احمد نیست. گفتن خونه‌ش خراب شده و اون و باباش زیر آوار موندن. من فقط به بار گریه کردم، بعدش دیگه نتونستم.

ما آب نداریم. من تشنه‌م. غذا هم نیست. مامان بعضی وقتا خودش غذا نمی‌خوره که برای من و خواهرم بمونه. دکتر هم نیست. یه‌بار خواهرم تب داشت، ولی فقط دعا کردیم.

من فقط به چیز می‌خوام... بخوابم، بدون صدا. بدون ترس. دوباره دوچرخه رو سوار شم و با احمد بازی کنم. اما نمی‌دونم اون روز می‌آید یا نه.

اینها دو نمونه از روایت میدانی از آنچه بر مردم غزه می‌گذرد، شرحی از نابودی زندگی و رویاهای انسان در قرن ۲۱.

وضعیت در نوار غزه همچنان بحرانی و پیچیده است. درگیری‌ها بین ارتش اسرائیل و گروه‌های مسلح فلسطینی، به‌ویژه حماس، ادامه دارد و تلاش‌ها برای برقراری آتش‌بس به نتیجه نرسیده است.

بر اساس اعلام وزارت بهداشت فلسطین در غزه، از آغاز حملات اسرائیل در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ تاکنون، بیش از ۵۴,۰۵۶ نفر کشته و ۱۲۹,۱۲۳ نفر زخمی شده‌اند.

ارتش اسرائیل اعلام کرده است که در حال اجرای عملیات نظامی گسترده‌ای برای کنترل ۷۵٪ از نوار غزه است و بیش از ۴۵۰,۰۰۰ نیروی ذخیره را بسیج کرده است.

در حمله‌ای به مدرسه‌ای که به‌عنوان پناهگاه استفاده می‌شد، دست‌کم ۳۶ نفر، از جمله کودکان، کشته شدند.

تلاش‌ها برای آتش‌بس

ایالات متحده پیشنهادی برای آتش‌بسی ۴۵ تا ۶۰ روزه ارائه داده است که شامل آزادی ۱۰ گروه‌گن زنده و ۱۹ جسد در ازای آزادی زندانیان فلسطینی می‌شود. حماس نسخه‌ای متفاوت از این پیشنهاد را مطرح کرده است که شامل آتش‌بسی ۷۰ روزه و آزادی ۵ گروه‌گن زنده و ۵ جسد است.

اسرائیل نسخه پیشنهادی حماس را رد کرده و اعلام کرده است که تنها

مردم غزه، قربانیان فاشیسم حاکم بر اسرائیل و جریانات افراطی اسلامی و حماس

وریا روشنفکر

اسم لیاناست، ۳۴ ساله‌ام. معلم زبان عربی بودم در یک مدرسه ابتدایی در "رفح". قبل از جنگ، صبح‌ها با دوچرخه‌ام می‌رفتم مدرسه، بچه‌ها با لبخند و سر و صدا به استقبال می‌آمدند. سادترین لحظات، زیباترین بودند، بوی نان تازه و بازی کودکان در کوچه‌ها. اما حالا چیزی از آن زندگی نمانده. اولین موشک ساعت ۲ نیمه‌شب فرود آمد. همه‌چیز لرزید. دیوار خانه ترک برداشت. فردا فهمیدیم مدرسه‌مان دیگر وجود ندارد.

با پسر ۸ ساله‌ام و مادرم، به یک مدرسه دیگر که به پناهگاه تبدیل شده بود، رفتیم. آنجا حدود ۳۰۰ نفر دیگر هم بودند. فقط دو سرویس بهداشتی داشتیم، غذا کم، آب آلوده. پسری از همسایه‌مان، که ۶ ساله بود، به اسهال شدید مبتلا شد و دو روز بعد مُرد. دارو نبود.

شب‌ها صدای هواپیماهای جنگی نمی‌گذاشت بخوابیم. پسر من از ترس خودش را خیس می‌کرد. یکی از شب‌ها، حمله هوایی شد به ساختمانی که فقط ۲۰۰ متر از ما دورتر بود. شیشه‌ها خرد شد، شانه‌ی مادرم زخم برداشت.

نه برق داریم، نه اینترنت، نه خبری از دنیای بیرون. تنها رادیویی داریم که گاهی روشن می‌شود و خبر از مرگ می‌آورد. وقتی نام محله‌ای را می‌شنویم، دعا می‌کنیم دوستان‌مان آنجا نبوده باشند. من دیگر معلم نیستم. مادرم دیگر قصه نمی‌گوید. پسر من دیگر نمی‌خندد. ما فقط زنده‌ایم. فقط نفس می‌کشیم، در انتظاری تلخ که پایان‌ش را نمی‌دانیم.

غزه، دیگر خانه نیست؛ فقط زخم است، بر دیوارهای ترک‌خورده‌مان، بر قلبه‌ایمان.

اسم من یوسف است، ۹ ساله. قبلاً توی خونه‌مون توی خانیونس زندگی می‌کردیم. من یک دوچرخه داشتم، رنگش قرمز بود. باهاش هر روز بعد از مدرسه می‌رفتم میدان بازی، با رفیقم احمد. مامانم همیشه نون داغ درست می‌کرد و بویش تا کوچه می‌رفت.

اما حالا دیگه هیچ‌چی مثل قبل نیست. خونه‌مون رو بمبارون کردن. من و مامان و خواهر کوچیکم فرار کردیم به یه مدرسه. اینجا خیلی شلوغه، همه جا آدم خوابیده، حتی توی راهروها.

مردم غزه، قربانیان فاشیسم حاکم بر اسرائیل و جریانات افراطی اسلامی و حماس...

با نسخه اصلی پیشنهادی موافق است. حماس نیز اعلام کرده است که تنها در صورت عقب‌نشینی کامل اسرائیل از غزه، تمامی گروگان‌ها را آزاد خواهد کرد.

وضعیت انسانی و کمک‌رسانی

کمبود کمک‌های بشردوستانه: با وجود ورود محدود کمک‌ها، سازمان‌های بشردوستانه از ناکافی بودن آن‌ها و شرایط وخیم انسانی در غزه خبر می‌دهند. برخی گزارش‌ها حاکی از آن است که مادران برای تغذیه کودکان خود به استفاده از گیاهان و آب آلوده روی آورده‌اند.

- ناآرامی در مراکز توزیع کمک: به تازگی یک بنیاد امداد رسانی در غزه متشکل از نیروهای نظامی و امنیتی شرکت‌های خصوصی آمریکا و اسرائیل در غزه تأسیس شده، که بتواند اقلام خوراکی را تحت نظارت خود در بخشی از مناطق غزه تقسیم کنند. یعنی درواقع تزریق قطره چکانی غذا بین مردم غزه و گرسنه نگهداشتن آنها.

در پی ازدحام جمعیت به یکی از این مراکز توزیع کمک در جنوب غزه، نیروهای امنیتی اسرائیل اقدام به تیراندازی کردند که منجر به کشته و زخمی شدن تعدادی از افراد شده. همچنین بنا بر گزارش‌ها، یک تانک اسرائیلی به نزدیکی این مرکز اعزام شده است.

این توزیع ناکافی و تحت کنترل تنها توانسته جمعیت محدودی را پوشش دهد، تنها شماری از این جمعیت که برای مواد غذایی آمده بودند موفق شدند بسته‌های کمی حاوی آرد، برنج، ماکارونی، شکر، نمک و چای را دریافت کنند.

بحران غزه در سال‌های اخیر از یک نزاع نظامی به یک تراژدی انسانی تبدیل شده است. تحلیل واقع‌بینانه و مستقل از این بحران، ما را به یک نتیجه دردناک می‌رساند: مردم غیرنظامی غزه، به‌ویژه سالمندان و کودکان، از یک سو بین فاشیسم دولت اسرائیل و از سو دیگر گرفتار جریانات افراطی اسلامی از جمله حماس شده‌اند.

فاشیسم اسرائیلی: جنگ بی‌پایان برای تسلط کامل

سیاست‌های دولت‌های متوالی اسرائیل، به‌ویژه دولت افراطی نتانیا‌هو، با توسل به سیاست‌های اشغال‌گرایانه، محاصره اقتصادی، بمباران‌های کور و کشتار غیرنظامیان در غزه، چهره‌ای فاشیستی از خود به‌جا گذاشته است. این سیاست‌ها نه تنها صلح را به تأخیر انداخته بلکه مقاومت را به واکنشی از سر ناچاری تبدیل کرده است. هدف روشن

است: تضعیف کامل نهادهای مدنی در غزه و تسلط نظامی بر کل سرزمین فلسطین.

حماس: مقاومت یا سوءاستفاده از رنج مردم؟

در سوی دیگر، جنبش حماس که با شعار مقاومت اسلامی آغاز شد، از همان آغاز یک نیروی اقتدارگرا و افراطی اسلامی بود.

حماس برای مقابله با سازمان آزادیبخش فلسطین با حمایت رسمی و یا ضمنی هیئت حاکمه اسرائیل پا به میدان گذاشت. سیاست‌ها و عملکرد خشن و تروریستی این جریان در مقابل تروریسم دولت اسرائیل نه تنها کوچکترین ربطی به منافع مردم فلسطین نداشت، بلکه درست نقطه مقابل سیاست‌ها و اقداماتی بود، که می‌توانست رنج و درد دهها ساله این مردم را کاهش دهد. از سال ۱۹۹۵ میلادی با سرکار آمدن دولت راست افراطی نتانیا‌هو و عملکردهای فاشیستی آن، تروریسم اسلامی حماس و جهاد همدست نتانیا‌هو قرارداد اسلو میان یاسر عرفات و اسحاق رابین را عملاً دفن کردند. در داخل غزه سرکوب نیروهای سکولار و غیر اسلامی و ناتوانی در ایجاد یک ساختار سیاسی کارآمد، ماهیت حماس را به عنوان حکومت نظامی عقب‌مانده تنزل داده است.

رنج مردم، ابزار رقابت سیاسی

مردم غزه، قربانی اصلی این دوگانه‌ی مرگبار هستند. زیرساخت‌های نابودشده، قحطی، بی‌خانمانی و نبود خدمات درمانی، تنها بخشی از نتایج این وضعیت است. هر حمله اسرائیلی، هر پاسخ راکتی حماس، هزاران خانواده را درگیر اندوه و ویرانی می‌کند. در این میان، رنج مردم ابزار مشروعیت‌بخشی برای ادامه سرکوب و جنگ شده است.

راه‌حل: رهایی از دوقطبی مرگبار

راه رهایی، نه از مسیر حمایت از یکی علیه دیگری، بلکه از طریق حمایت از یک راه‌حل انسانی، غیر قومی و غیرمذهبی برای مردم فلسطین و اسرائیل می‌گذرد. آزادی و رهایی در فلسطین و اسرائیل در گرو سوسیالیسم و سکولاریسم در کل منطقه است. این راه حل اساسی است. با اینحال در شرایط مشخص فعلی بعضی سیاست‌ها و تاکتیک‌های مبارزاتی برای سد کردن این وضعیت دهشتناک لازم است که بر مواردی از آنها تأکید می‌کنیم. از جمله کارگران و مردم اسرائیل می‌توانند از طریق مبارزات اجتماعی و انقلابی علیه سیاست‌های جنگ‌طلبانه و فاشیستی دولت نتانیا‌هو مقاومت کنند. راهکارهای اصلی شامل موارد زیر است:

مردم غزه، قربانیان فاشیسم حاکم بر اسرائیل و جریان‌های افراطی اسلامی و حماس...

۱. اعتراضات مردمی و اجتماعی :

برگزاری تظاهرات گسترده، مثل آنچه در سال‌های ۲۰۲۳ و ۲۰۲۴ علیه اصلاحات قضایی و فساد انجام شد، نشان داد جنبشهای اجتماعی اسرائیل می‌توانند صدای خود را بلند کند.

۲. رای دادن آگاهانه:

انتخابات به دور از فشار در اسرائیل همچنان پابرجاست. رای دادن به احزاب، چپ‌گرا یا میانه‌رو می‌تواند مسیر قدرت را تغییر دهد و سیاست‌های افراطی نتانیاهو را به چالش بکشد.

۳. حمایت از رسانه‌های مستقل:

رسانه‌هایی که سیاست‌های جنگی را نقد می‌کنند و صدای قربانیان جنگ را بازتاب می‌دهند، نقش مهمی در آگاهسازی عمومی دارند.

۴. حمایت از گروه‌های حقوق بشری:

سازمان‌های حقوق بشری اسرائیلی مانند B'Tselem و Breaking the Silence با افشای جنایات جنگی و انتقاد از ارتش و دولت، بستر مقاومت اجتماعی فراهم کرده‌اند.

۵. نافرمانی در ارتش:

برخی از سربازان و افسران ارتش اسرائیل با امتناع از خدمت در مناطق اشغالی، مستقیماً با سیاست‌های دولت مخالفت کرده‌اند.

این مسیرها آسان نیستند، اما تجربه نشان داده که حتی در جوامع متأثر از جهان بینی راست افراطی نیز نیروی مقاومت مردمی می‌تواند در بلندمدت تغییر آفرین باشد.

در غزه ایجاد یک نیروی سوم، متشکل از نیروهای چپ و سکولار فلسطینی می‌تواند بدیلی واقعی برای فاشیسم و تروریسم اسلامی باشد که در نهایت راه را برای ایجاد دو کشور مستقل فلسطین و اسرائیل هموار نماید. جامعه بین‌المللی نیز باید دست از ممانعت با هر دو طرف بردارد و حقوق انسانی مردم را محور سیاست خود قرار دهد.

کلام آخر اینکه مردم غزه در تلاقی فاشیسم هیئت حاکمه اسرائیل و اسلام سیاسی و تروریسم حماس، صدای خاموشی هستند که باید شنیده شوند. دفاع از آن‌ها، دفاع از عدالت، کرامت انسانی است؛ نه حمایت کور از نیروهای نظامی، مذهبی یا دولت‌های جنگ‌طلب.



راههای ارتباط با حزب حکمتیست

برای ارسال خبر، فیلم و گزارش و تماس با حزب حکمتیست از طریق واتساپ و تلگرام و تماس مستقیم با این شمارهها تماس بگیرید.

www.hekmatist.org

حزب کمونیست ایران - هکمت

Worker-communist Party of Iran - Hakimati

صالح سرداری ۰۰۴۹۱۷۶۶۳۴۶۱۹۴۲

پروین کابلی ۰۰۴۶۷۰۷۷۴۴۰۲۰

رحمان حسین زاده ۰۰۴۶۷۳۹۲۵۹۶۹

ملکه عزنی ۰۰۴۷۴۱۲۶۰۴۹۷

نه قومی، نه مذهبی، هویت انسانی!



جامعه و بدون ذره ای مقابله جهت سرنگونی جمهوری اسلامی بعنوان نظام هار سرمایه در ایران می‌باشد.

"چپ" محور مقاومت برخلاف آنچه خود را یک نیروی ضد امپریالیسم و ضد سرمایه داری می نامند، نه ضد سرمایه است و نه ضد امپریالیسم.

ضد امپریالیستی بودن "چپ" محور مقاومت عملاً مربوط به غرب و به خصوص آمریکا خلاصه می‌شود در حالی که روسیه و چین نمونه آشکار امپریالیسم شرق هستند، اما نه تنها این محور کثیف و مرتجع به آنان حمله نمیکند بلکه سمپاتی نیز دارد و در مواردی از این قطب امپریالیسم حمایت هم میکند، همانند جنگ امپریالیستی روسیه و اوکراین که علناً کنار رژیم روسیه قرار گرفتند.

در جهان کنونی، دولت‌هایی مانند چین و روسیه با توجه به شکلی از سرمایه داری و گستره نفوذشان در کشورهای مختلف جهان و ویژگی‌های نفوذ آنها در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و استثمار طبقه کارگر داخلی و جهانی در زمره امپریالیسم قرار می‌گیرند. سالاهاست که اقتصاد سیاسی چین به نوعی از تلفیق اقتصاد سرمایه داری دولتی و نیمه دولتی بدل شده و روسیه که پیشتر توسط سیستم اقتصاد سرمایه داری دولتی اداره می‌شد به اقتصاد سرمایه داری آزاد که توسط اولیگارش‌های روس تحت نفوذ جناح حاکم اداره می‌شود بدل شده است.

ماهیت "چپ" محور مقاومت

در دوره انقلاب ۵۷ جریانات چپ-ملی-اسلامی و بخشی از چپ ملی مانند توده و جناحی از سازمان چریک‌های فدایی که به اکثریت معروف شد به واسطه ضد امپریالیست دانستن خمینی و جریانش پشت او رفتند و در مواقعی حتی عامل سرکوب چپ و راست مخالف خمینی شدند.

توده و اکثریت پس از انقلاب ۵۷ به منفورترین جریانات مخصوصاً بین مارکسیست‌های انقلابی و چپ رادیکال ایران بدل شد.

در طی گذشت چند دهه از انقلاب و دهه شصت گرایشی که به ظاهر در کاغذ کادوی "چپ" پیچیده شده بود و علیه امپریالیسم موضع

محور مقاومت دشمن چپ و همکار جمهوری اسلامی!

امیر عسگری

پنجشنبه اول خرداد ۱۴۰۴ جمعی به ظاهر در دفاع از مردم فلسطین مقابل درب دانشگاه تهران با حضور نیروهای ارزشی، بسیجی و آنچه به عنوان "چپ" محور مقاومت شناخته می‌شود برگزار شد. این تجمع در دوره مذاکره جمهوری اسلامی با آمریکا پس از چهار دهه دشمن نامیدن از سوی طیف حکومتی و محور مقاومت صورت گرفت. همین فاکتور مذاکره یا بهتر است بگوییم سازش جمهوری اسلامی با دولت ترامپ باعث شد جمعی که قرار بود با سازماندهی ارزشی‌ها، بسیجی‌ها و چپ محور مقاومتی در پس عید نوروز ۱۴۰۴ برگزار گردد برای چندین بار از سوی حکومت لغو بالاخره مقابل درب دانشگاه تهران برگزار گردد. این تجمع بر خلاف تبلیغ جناح‌های شرکت کننده که گویی بصورت خودجوش و با خواست انسانی برگزار شده است از حاصل همکاری جناحی خاص از به اصطلاح "چپ" محور مقاومت که اخیراً در رابطه با این حرکت به عنوان پویش سخن گفته اند با بسیج و ارزشی‌ها و تشکیل گروهی مشترک بین این دو طیف سازماندهی شد.

همین سازماندهی که مراجعه به نیروهای ارزشی و بسیجی از سوی جریانات محور مقاومت صورت گرفت موجب ریزش نیروهای همین طیف قبل از برگزاری این تجمع نمایشی شد.

طیفی که در دوره مذاکرات جمهوری اسلامی با دولت آمریکا حتی قبل از برگزاری تجمع اول خرداد به دلیل سازش جمهوری با آمریکا حتی با ریزش روبرو شده است.

«چپ» محور مقاومت ضد امپریالیست دروغین یا آمریکاستیز محض

آنچیز که بعنوان «چپ» محور مقاومت بیشتر در دانشگاه و بخشا در جامعه شناخته می‌شود در ظاهر آرایش و کاغذ کادوی چپ و سوسیالیسم را دور خود کشیده و با شعارها و تزئینات چپ پیشبرنده سیاستهای آمریکاستیزانه حکومت از یک سو و از سوی دیگر پیش برنده سیاستهای ارتجاعی جریاناتی مانند حماس و حزب الله در ظاهری چپ بدون حمله ریشه ای به سیاستهای سرمایه داری حاکم بر

او علنا همانند مرتجعین حماس از شعار مرتجعانه؛ "از نهر تا بحر" دفاع میکند و جنبش های مدنی حاضر در ایران را دشمن مردم فلسطین معرفی کرده و علیه آنان اعلام جنگ میکند.

در این حمله مخالفین جمهوری اسلامی و جامعه ای که خواهان سرنگونی حکومت اسلامی هستند را هم رده با بخش ناسیونالیست و راست بورژوایی که شعار «نه غزه نه لبنان جانم فدای ایران» را سر میدهند قرار داده و چپ انقلابی را در بهترین حالت جناح راست این جنبش معرفی میکند. این در حالی است که چپ و کمونیست جامعه ایران پس از ۷ اکتبر هم علیه حماس و جمهوری اسلامی به عنوان حکومت و نیروهای تروریستی و هم علیه تروریسم دولتی دولت جنایتکار نتانیاهو ایستادند و خواهان به رسمیت شناختن دولت فلسطینی مستقل در کنار دولت اسرائیل به عنوان تنها راه صلح پایدار در منطقه شدند.

تجمع اول خرداد ۱۴۰۴ با ترکیب ارزشی، بسیجی و "چپ" محور مقاومت و همکاری این جریانات مرتجع یک چیز نشان میدهد و آن علنی شدن همکاری محور مقاومت با ارزشی ها و بسیجی های حکومت است. همکاری از جنس حماس و حزب الله و حوثی های یمن با حکومت جنایتکار اسلامی در قالب محور کثیف مقاومت که عامل کشتار مردم بیگناه در منطقه و عامل رشد ملیتاریسم در منطقه از سوی غرب و اسرائیل شده است.

رویکرد جناح های مختلف اپوزیسیون و پوزیسیون

پس از نمایش مضحک اول خرداد ۱۴۰۴ مقابل دانشگاه تهران، حملات از سوی حکومت اسلامی و اعوان و انصارش همزمان با رسانه های مرتجع بستر اصلی و نمایندگان دستگاه پروپاگاندای رضا پهلوی در صحنه ظاهر میشوند تا به کمونیسم حمله کنند.

جمهوری اسلامی و نمایندگان فکری اش حضور چند چهره بی حجاب از طیف "چپ" محور مقاومت و شعارهای به ظاهر چپ مانند؛ "غزه، یمن تا ایران، وحدت زحمتکشانش" را تحت عنوان حضور کمونیست ها مورد حمله قرار دادند.

رسانه هایی مانند؛ "کیهان لندن"، "من و تو" و "کانال یک" با تکرار عبارت سخیفانه اتحاد "ارتجاع سرخ و سیاه" که متعلق به شاه سرنگون شده سابق محمدرضا پهلوی بود، طیف "چپ" محور مقاومت که عملا هیچگاه مخالف با جمهوری اسلامی نبوده و در نقطه مقابل چپ انقلابی خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی قرار داشته را

محور مقاومت دشمن چپ و همکار جمهوری اسلامی!...

میگرفت ولی در اصل فقط علیه آمریکا بود و همانند توده و اکثریت علیه جمهوری اسلامی موضع سرنگونی طلبی و حتی نیم چه رادیکال نمیگرفت به عنوان یکی از گرایشات مطرح شد و به حیات ننگین سیاسی خود کماکان ادامه میدهد.

جریان "چپ" محور مقاومت همانند پدران سیاسی خود، مانند فرخ نگهدار ها که در اوایل انقلاب علیه طیف چپ انقلابی مخالف با خمینی و جمهوری اسلامی در نشریات خود دستور حمله داده و یا از حمله و سرکوب و کشتار "ضد انقلاب" به دست جلادانی مانند لاجوردی حمایت می کرده و حتی در پرونده سازی و لو دادن فعالین چپ انقلابی نقش داشتند، عمل میکنند.

"چپ" محور مقاومت در دانشگاه و در سطح کلان عامل پرونده سازی و سرکوب نیروهای مخالف با جمهوری اسلامی اند.

در سال های گذشته این طیف از روندهای انقلابی مانند خیزش ۱۴۰۱ به عنوان "بلوا و اغتشاش" یاد کرده و به این نقطه عطف های جنبش های طبقاتی حمله کردند و فعالین رادیکال و انقلابی چپ دانشگاه را به جریانات مختلف ممنوعه کمونیست خارج کشوری جهت پرونده سازی امنیتی وصل کردند.

مشخصا حملات طیف برگزار کننده تجمع اول خرداد ۱۴۰۴ به فعالین چپ دانشگاه از این دست اقدامات سخیف و شنیع بود.

"پویش" یا همکاری با بسیج دانشجویی بر سر مسئله فلسطین؟

یکی از سخنگویان و خط دهندگان طیف اصلی شرکت کننده "چپ" محور مقاومت در تجمع اول خرداد ۱۴۰۴ مقابل دانشگاه تهران، این حرکت را به عنوان "پویش" یک جنبش در دفاع از فلسطین میداند و در این فرمول بندی چپ و راست را به عنوان دشمنان خود معرفی میکند.

همین به ظاهر سخنگو ضمن دفاع از سیاستهای جنگ طلبانه رویکردی مشابه با رهبران حماس اتخاذ میکند علنا نه تنها هیچ نقدی به تروریستان حماس و حزب الله ندارد بلکه از کوتاهی جمهوری اسلامی در روند حمایت از محور مقاومت مورد نقد قرار میدهد.

خلاصی از حکومت اسلامی بوده و باید مورد حمله وسیع قرار گرفته تا از عرصه سیاسی کاملاً ترد و منزوی گردند.

مبارزه و مقابله با محور مقاومت همانند مبارزه با جمهوری اسلامی از وظایف خطیر چپ انقلابی در دانشگاه و جامعه است.

۸ خرداد ۱۴۰۴

محور مقاومت دشمن چپ و همکار جمهوری اسلامی!...

بعنوان چپ جامعه معرفی کرده و از همدستی چپ انقلابی جامعه با اسلام گرایان مرتجع و بسیجی سخن میگوید.

اتهامی که قصد دارد در اذهان عمومی چهره معتبر چپ را مخدوش کرده تا بلکه از این طریق سمپاتی در بین بخشی از جامعه کسب کند.

این سلسله اتهامات ادامه پروژه های کمونیست ستیزانه طیف لیبرال تا سلطنت طلب و حتی بدنه جمهوری اسلامی و شخص علی خامنه ای است.

تلویزیون های مزدور غرب و رضا پهلوی سالهاست مستند های جعلی و دروغین علیه چپ میسازند، جمهوری اسلامی نیز چنین رویکردی در قبال چپ و کمونیست همواره داشته و در نمونه آخر در هفته حکومتی کارگر علی خامنه ای به لجن پراکنی علیه کمونیست ها پرداخت.

همه این کمونیست ستیزی از دست بالا داشتن و هژمون بودن چپ و کمونیسم در صفوف مبارزاتی جامعه علیه جمهوری اسلامی و در روندهای انقلابی اخیر است.

در برابر محور مقاومت چه کنیم؟

چپ انقلابی و سوسیالیست ها در دانشگاه و جامعه باید بیش از پیش مرزبندی های خود را با جریانات موسوم به «چپ» محور مقاومت بیشتر کرده و در تقابل با چنین نیروهایی که عملاً در کنار جمهوری اسلامی ایستاده و علیه نیروهای مترقی و چپ انقلابی همواره موضع گرفته و در مواردی پرونده سازی امنیتی علیه آنان انجام میدهد به عنوان دشمن سیاسی و طبقاتی خود دست به مقابله زده و رویکردی همانند رویکردی که با بسیج و حراست اتحادهای کرده با آنان داشته باشد.

محور مقاومت و چپ آن دشمن طبقاتی چپ و کمونیست در جامعه و خدمتگزاران صادق جمهوری اسلامی علیه جامعه خواهان

تلویزیون پرتو
رسانه تصویری حزب حکمتیست
رسانه ای برای یک دنیای بهتر

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست کارگری-حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال آلترناتیو شورایی دنبال کنید و به کارگران و دوستانتان معرفی کنید. آدرس خط زنده: <https://alternative-shorai.tv>

ماهواره: یاه ست ، فرکانس : ۱۲۵۹۴ ، پولاریزاسیون : عمودی ،
سیمبل ریت : ۲۷۵۰۰ ، اف ای سی : ۳/۲
ساعات پخش به وقت ایران :
هر روز از ساعت ۲۱:۳۰ تا ۲۲:۳۰
تکرار روز بعد در ساعت های : ۳:۳۰ تا ۴:۳۰ ، ۹:۳۰ تا ۱۰:۳۰ ، ۱۵:۳۰ تا ۱۶:۳۰

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

تهران تا شهرها و استانهای دیگر را تعطیل کرده است.

اعتصاب سراسری رانندگان و کامیون داران

نارضایتی و زمزمه اعتصاب میان رانندگان ماشینهای سنگین و کامیونداران جدید نیست. سیاستهای دولت و گردن‌بگیری و باج‌خواهی از رانندگان کار را به استخوان رساند. اعتصاب از روز دوشنبه ۲۹ اردیبهشت در بندرعباس کلید خورد که رانندگان ماشین‌ها را خاموش و با بستن ورودی و خروجی بندر اعتراض‌شان را فریاد زدند. اعتصابی که با حمایت وسیع بویژه بعد از فاجعه انفجار مهیب بندرعباس روبرو شد و با فراخوان بلافاصله اتحادیه کامیون داران به اعتصاب سراسری یک هفته‌ای از اول خرداد موج اعتصاب بسرعت سراسری شد. اعتصابی که ۱۳ استان و بیشتر بنادر و پایانه‌های کشور را دربرگرفت.

روز شنبه ۳ خرداد اعتصاب در مشهد و شیراز با سرکوب پلیس و زدن گاز اشک‌آور و اسپری فلفل روبرو شد و امروز ۴ خرداد در چهارمین روز اعتصاب در سنج پلیس علیه اعتصابیون دست به خشونت و بازداشت تعدادی از رانندگان اعتصابی زد. سرکوب مستقیم اعتصابیون، تهدید رانندگان و اعتصاب شکنی ابزارهای رژیم اسلامی برای به شکست کشاندن اعتصاب رانندگان کامیون و کامیونداران در دوره‌های قبل بود. سیاستی که امروز نیز ادامه دارد. اما همبستگی با اعتصاب گسترده‌تر است. بسیاری از رانندگان در دفاع از حرمت اعتصابیون در پایانه‌ها و جایگاه‌ها، ماشین‌های خود را خواباندند و در اجتماعات اعتراضی شرکت میکنند. رانندگان اعتصابی نیز هر اعتصاب شکن را با شعار «بی شرف» به پارکینگ‌ها مشایعت میکنند.

رانندگان از هزینه کم کرایه‌های حمل بار، قطع سهمیه پایه گازوئیل و کاهش سوخت، سه نرخی و چند نرخی شدن سوخت، عوارض بالای جاده‌ها، دو و سه برابر شدن حق بیمه رانندگان، گرانی لاستیک و قطعات ماشین، افزایش مجموعه هزینه‌ها در کنار فقدان امنیت در جاده‌ها و سرقت‌های مکرر اعتراض دارند. دولت سوبسیدها را از جهات مختلف قطع و هزینه بیمه‌ها را براساس برنامه هفتم اقتصادی افزایش داده است. دولت و اقتصاددانان مشاورش بر طبل آزادسازی قیمت‌ها و کاهش هزینه‌های دولت میکوبند و مردم زحمتکش باید هزینه گرانی نان و بنزین و برق و فقدان بیمه و امنیت را بپردازند. اعتصاب در چهارمین روز خود بسیاری از پایانه‌های حمل‌ونقل و باراندازها از

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست از اعتصاب و خواستهای برحق رانندگان و کامیونداران حمایت میکند. دولت، مجلس، سازمان راهداری و تامین اجتماعی از ورود به موضوع سخن میگویند اما این ورود تاکنون تنها با سرکوب خود را نشان داده است. سرکوب راننده اعتصابی که نان و حرمت می‌خواهد تنها با سیاستی متحد و اعتصابی گسترده‌تر میتواند جواب بگیرد. رانندگان میتوانند در سراسر کشور شریان اقتصاد را بدرجه‌ای قطع کنند. تاکتیک بستن جاده‌ها و ورودی و خروجی پایانه‌ها، گسترش اعتصاب در مقابل تهدید پلیسی، مقابله موثر با اعتصاب شکنان و اتحاد قویتر رمز پیشروی و پیروزی است.

رانندگان نباید به وعده‌های سرخرمن باور کنند. در اعتصابات دور قبل وعده وعید زیاد شنیدیم اما هیچکدام عملی نشدند. رانندگان نباید فریب وعده‌ها را بخورند و تا رسیدن به خواسته‌هایشان دست از اعتصاب نکنند. اتحاد و اعتصاب گسترده صدای بخشهای ذینفع را در شاخه‌های اقتصاد درمی‌آورد. پایداری در اعتصاب موجب میشود که خودشان به التماس بیافتند و عقب بروند. همکاران اعتصابی بازداشتی باید فوراً آزاد شوند. اعتصاب و اتحاد تنها راه و تنها ابزار ماست! پرچم اعتصاب را بالا نگاهداریم!

مرگ بر جمهوری اسلامی

آزادی، برابری، حکومت کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۴ خرداد ۱۴۰۴ - ۲۵ مه ۲۰۲۵

آزادی، برابری، رفاه

از یک دنیای بهتر

تصور همه از یک زندگی مطلوب و یک دنیای ایده آل بیشک یکی نیست. اما با اینهمه مقولات و مفاهیم معینی در طول تاریخ چند هزار ساله جامعه بشری دائماً بعنوان شاخص‌های سعادت انسان و تعالی جامعه به طرق مختلف برجسته و تکرار شده‌اند، تا حدی که دیگر بعنوان مفاهیمی مقدس در فرهنگ سیاسی توده مردم در سراسر جهان جای گرفته‌اند. آزادی، برابری، عدالت و رفاه در صدر این شاخص‌ها قرار دارند.

دقیقاً همین ایده‌آلها بنیادهای معنوی کمونیسم کارگری را تشکیل میدهند. کمونیسم کارگری جنبشی برای دگرگونی جهان و برپایی جامعه‌ای آزاد، برابر، انسانی و مرفه است.

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

و نخواهد داشت. آنچه تعریف نظام سرمایه داری از نهادهایش دارد با آنچه ما فعالین کمونیست داریم کاملاً متفاوت است، ما نهادهای سوسیالیستی و کمونیستی بنا شده به دست خود طبقه کارگر را میتوانیم بعنوان نقطه ایستادگی و مقاومت در برابر فاشیسم و عدم تکرار فاشیسم قرن گذشته در امروز بدانیم.

ناسیونالیسم ریشه فاشیسم به عنوان یک محور اصلی سرمایه داری در دوره بحران توسط سرمایه داران مفت خور به خدمت گرفته می شود، ابتدا از آن باید خلاص شد. در برابر فاشیسم و نئو فاشیسم کنونی در اروپا و رشد بالای سیاستهای راست گرایانه و نژادپرستانه حاکم در آلمان که اگر جلوش را نگیریم با فاشیسمی دیگر روبرو خواهیم شد، قدرت نیروهای ضد فاشیستی و محور اصلی آن سوسیالیست ها، کمونیست ها و طبقه کارگر و آزادیخواهان جامعه با رهبری چپ و سوسیالیست های این طبقه و جنبش کارگری است که فقط میتواند رهایی بخش باشد.

در بخش جمع بندی اولریش اشنایدر ضمن جواب به نقطه نظرات مختلف در مورد شرایط کنونی و چه باید کرد طرح همکاری نیروهای ضد فاشیست و چپ علیه شرایط موجود و تشکیل یک اتحاد ضد فاشیستی تاکید کرده و مورد توافق نیروها و احزاب حاضر در سالن نیز قرار گرفت.

۲۲ مه ۲۰۲۵



گزارشی از نشست ۸۰ مین سالگرد رهایی از فاشیسم در آلمان!

امیر عسگری

نشستی در شهر زیگن به فراخوان حزب کمونیست آلمان تحت عنوان "۸۰ سال پس از پیروزی متفقین بر آلمان و رهایی از فاشیسم؛ مفهوم آن برای امروز چیست؟" برگزار گردید. در این نشست که به تاریخ ۲۲ مه ۲۰۲۵ برگزار گردید و دکتر اولریش اشنایدر، مورخ و دبیرکل فدراسیون بین‌المللی مبارزان مقاومت (FIR) – اتحادیه ضد فاشیست‌ها سخنران اصلی این نشست بود، دبیران احزاب و نیروهای چپ و کمونیست و سازمانهای ضد جنگ و ضد فاشیستی منطقه و حزب کمونیست کارگری ایران-حکمتیست نیز دعوت و رفقا فاطمه و امیر عسگری از طرف حزب در این نشست شرکت کردند.

در این نشست ابتدا اولریش اشنایدر به جوانب مختلف و تاریخی و کشمکش‌های سندیکاها، نیروهای کارگری و چپ از دهه های ۳۰ تا انتهای جنگ جهانی دوم و حکومت هیتلر و انواع جنایت‌ها علیه چپ و کمونیست در آلمان پرداخته و در ادامه روند دموکراتیزه شدن آلمان و مبارزه علیه فاشیسم در دهه های پس از سرنگونی فاشیسم و نازی ها پرداخت.

پس از پایان بخش اول سخنرانی دبیران احزاب دعوت شده به اظهار نظر پرداختند که در این میان امیر عسگری در مورد شرایط کنونی اظهار نظر کرد

رفقای عزیز،

نسل کشی و فاشیسم در دهه ۳۰ و ۴۰ میلادی و عروج نازی ها در سایه حمایت سرمایه داری محقق شد. در حالی که ۸۰ سال از خلاصی از رژیم جنایتکار ناسیونالیست-سوسیالیست میگذرد جهان با فاشیستی جدید روبروست، فاشیست‌ها در دوره نازی ها در آلمان و موسولینی در ایتالیا پشت صحنه حامی این جنایتکاران بودند اما امروز صاحب سرمایه و حامیان فاشیسم در قدرت هستند مانند ترامپ و الان ماسک. سیاستهای نژادپرستانه اکنون پس از گذشت ۸ دهه از رهایی از نازی ها در آلمان به گفتمان بخش قابل توجهی از بوندستاگ بدل شده است. سازمان ملل، نه نهاد صلح و عدالت، بلکه بازوی دیپلماتیک دولت‌های سرمایه‌داری برای حفظ نظم جهانی امپریالیستی است؛ روبنایی بورژوازی که هیچ‌گاه علیه فاشیسم، جنگ و استثمار نقش واقعی نداشته

نه قومی، نه مذهبی، هویت انسانی!



کمیون‌داری و
گازوئیل
با ادامه اعتصاب
رانندگان کامیون و
کامیون‌داران و
کمیون‌داری و
گازوئیل در

شهرهای ایران، مزدوران سپاه پاسداران و ارتش سرکوبگر رژیم اسلامی تانکرهای خود را برای سوخت رسانی به بعضی جایگاه‌ها به خدمت گرفته‌اند.

بر اثر اعتصاب گسترده کامیون‌داران صنعت حمل و نقل در ایران مختل شده و روز گذشته گزارش شده بود که محموله‌های سوخت به پمپ بنزین‌ها به ویژه در استان فارس نرسیده و صف‌های طولانی مقابل جایگاه‌های سوخت تشکیل شده است. گازوئیل هم در تهران کمیاب شده است.

دادستان فارس خبر از بازداشت چند راننده داد و استاندار شیراز با تائید اعتصاب رانندگان حمل و نقل اعلام کرد که از روز گذشته سپاه پاسداران و ارتش، تانکرهای خود را برای سوخت رسانی به برخی جایگاه‌ها به کار گرفته‌اند.

شهاب دارابی، یکی از رانندگان شناخته شده کامیون و بلاگر اهل اسلام آباد غرب بازداشت شد

شهاب دارابی اهل اسلام آباد غرب، اولین بار در تاریخ ۹ اسفند ۱۴۰۲ توسط نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی بازداشت شد. علت بازداشت وی، انتشار ویدئویی در حساب کاربری اینستاگرامش بود که در آن به نقد سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی حکومت پرداخته و شرکت در انتخابات را بی‌فایده خوانده بود.

دارابی که به فعالیت‌های اینفلوئنسری و رانندگی کامیون مشغول بود، پس از بازداشت به مکان نامعلومی منتقل شد و دسترسی به صفحه اینستاگرامی‌اش قطع گردید. تا زمان تنظیم گزارش‌ها، اطلاعات دقیقی درباره مکان نگهداری یا اتهامات رسمی وی منتشر نشده است. در همین حالی نیز اتحادیه تشکل‌های کامیون‌داران و رانندگان با انتشار بیانیه‌ای از این اعتصابات حمایت کرد

اخبار و گزارشات کارگری روز ۵ خرداد ماه ۱۴۰۴

- کارگران بازنشسته مخابرات روز دوشنبه نسبت به کاهش قدرت خرید، عدم پرداخت مطالبات و قطع خدمات بیمه تکمیلی درمان با برپایی تجمع، راهپیمایی و سردادن شعارها و برافراشتن پلاکاردها

اخبار مبارزات کارگران و جنبشهای اعتراضی

تهیه و تنظیم: حیات الماسی و اوین رضایی

اعتصاب کارگران کشتی‌سازی جنوب، در بندرعباس

سه‌شنبه ۶ خرداد ۱۴۰۴، کارگران مجتمع کشتی‌سازی جنوب در بندرعباس به دلیل عدم پرداخت حقوق چهارماهه، دست به اعتصاب زدند. علیرغم وعده واریز بخشی از معوقات، هیچ مبلغی پرداخت نشد و کارگران با تجمع در محل کار، اعلام کردند تا دریافت کامل مطالبات به اعتصاب ادامه می‌دهند.

اعتصاب سراسری کامیون‌داران و رانندگان همچنان ادامه دارد!

در هفتمین روز اعتصاب سراسری کامیون‌داران و رانندگان خودروهای سنگین در بیش از ۱۳۵ شهر و ۲۰ استان همچنان با قدرت ادامه داشت.

اعتراضات رانندگان در حالی شدت گرفته که افزایش مداوم هزینه‌های زندگی، در برابر درآمد ثابت و ناکافی آن‌ها، فشار سنگینی بر این قشر وارد کرده است. آنان معتقدند که با وجود شرایط دشوار کاری، گرانی سوخت، بالا بردن بیمه کامیونها، گرانی قطعات ماشینآلات، بالا رفتن عوارض جاده‌ای و هزینه‌های بالای نگهداری خودرو، کرایه‌های موجود کفاف نیازهای روزمره را نمی‌دهد.

مزدوران امنیتی در نقاطی با تجمع اعتصابیون با خشونت رفتار کرده‌اند و تا تهیه این گزارش حداقل ۱۱ نفر از رانندگان کامیون دستگیر شده‌اند.

رانندگان معترض اعلام کرده‌اند تا زمانی که خواسته‌های صنفی‌شان مورد توجه قرار نگیرد و پاسخ شفافی از سوی مسئولان دریافت نکنند، به اعتصاب ادامه خواهند داد، آنان همچنین از دیگر فعالان حوزه حمل‌ونقل در سراسر کشور خواسته‌اند تا با پیوستن به این حرکت، بر همبستگی صنفی و پیگیری مطالبات مشترک تاکید کنند.

پیوستن رانندگان نیسان به کامیون‌داران

نیسان‌داران از شهرهای مختلف از جمله قوچان و مشهد سه‌شنبه ششم خرداد با پیوستن به کامیون‌داران، حمایت خود را از اعتصاب سراسری رانندگان اعلام کردند. آن‌ها با شعار «راننده تنها نیست!» تاکید کردند که تا تحقق عدالت و رسیدگی به مطالبات صنفی، به اعتصاب خود ادامه خواهند داد

اخبار مبارزات کارگران و جنبشهای اعتراضی...

مقابل ساختمان مرکزی شرکت مخابرات استان های

آذربایجان شرقی (شهرتیریز)، ایلام (شهرایلام)، خوزستان (شهر اهواز)، کردستان (شهرسنندج)، کرمانشاه (شهر کرمانشاه)، گیلان (شهررشت)، همدان (شهرهمدان)، تهران (شهرتهران)، اعتراض خود را نشان دادند

در ادامه اعتراضات، کارگران رسمی بهره برداری نفت و گاز گچساران و کارگران اخراجی پالایش گاز هویزه خلیج فارس نسبت به تفکیک مشاغل در مناطق عملیاتی به تخصصی و پشتیبانی برای ایجاد تفرقه، اصلاح نشدن کف حقوق برای کارگران جدیدالاستخدام، ادغام صندوق بازنشستگی با سایر صندوق های بازنشستگی، اخذ مالیات غیر قانونی و وعده های توخالی مسئولان در مقابل دفاتر مراکز کاری خود تجمع کردند.

همچنین کارگران اخراجی پروژه زمزم ۳ فولاد خوزستان برای چهارمین روز متوالی و کارگران شهرداری اهواز نسبت به مشکلات معیشتی و حقوق خود در مقابل مجتمع فولاد اهواز و شهرداری این شهر تجمع کردند

دامنه اعتراضات آنقدر گسترده است که به هر گوشه جامعه نگاه کنیم فریاد بی عدالتی بالاست، اعتراض راننده های زن سرویس مدارس دخترانه قرچک، اعتراض جمعی از صیادان آبادان نسبت عدم صدور مجوز صید و اعتراضات متقاضیان مسکن به افزایش قیمت و بلاتکلیفی همه اینها گوشه ای از نارضایتی عمومی در ایران است. **ناکارآمدی حکومت و نبود ایمنی در محیط کار، نان را به قیمت جان کرده است.**

یک کارگر مقتی در مشهد بر اثر برق گرفتگی در حین کار و یک کارگر دیگر در همین شهر بخاطر سقوط کپسول گاز برسرش جانباختند.

در کرمنشاه نیز یک کارگر آرماتوربند به نام آرش رسولی در حین انجام کار دچار سانحه ای دلخراش شد و در همان لحظه جانباخت.

اجرای حکم اعدام پدram مدنی

رژیم جنایتکار اسلامی صبح روز چهارشنبه ۷ خرداد با اجرای حکم اعدام پدram مدنی، زندانی سیاسی دست به جنایتی دیگر زد. پدram مدنی از سال ۱۳۹۹ دستگیر و با شکنجه های وحشیانه روبرو بوده و با پرونده سازی همیشگی رژیم اسلامی، او را محکوم به اعدام کردند.

اجرای حکم اعدام را در شرایطی اجرا کردند که بنا به گفته مادرش پرونده او پر از ابهام است و وکیل تسخیری او تقاضای فرجام کرده بود که سران جنایتکار رژیم اسلامی با دهنکجی به تلاشها برای توقف اعدام او، اعدام این زندانی سیاسی را اجرا کردند.

این کاراز در حالی ادامه دارد که دستگاه سرکوب رژیم جمهوری اسلامی در اردیبهشت ماه جان بالغ بر ۱۷۰ نفر با چوبه دار گرفته است. براساس آمارها هر ۹ ساعت، دو زندانی در ایران اعدام شده اند.

گزارش کوتاه درباره عیسی ابراهیمزاده

عیسی ابراهیمزاده، فعال کارگری و زندانی سیاسی، در جریان اعتراضات انقلابی ۱۴۰۱ بازداشت و به ۵ سال حبس محکوم شد. او اکنون در زندان نرده محبوس است. در ماه های اخیر، فرزندش را از دست داد، اما به دلیل حبس، اجازه حضور در کنار خانواده اش را نداشت. وی همچنین با مشکلات جدی جسمی مواجه است، اما با درخواست مرخصی درمانی یا آزادی مشروط او مخالفت شده است. عیسی متأهل، دارای فرزند و تنها نان آور خانواده اش است.

بازداشت خشونت آمیز چهار فعال اجتماعی در سقز توسط نیروهای اطلاعات سپاه

در ساعات اولیه بامداد سه شنبه ۶ خرداد ۱۴۰۴، چهار فعال اجتماعی اهل سقز به نام های هیوا احمدی، محمد زبیحی، سوران سلطانی و رحیم قدرتی توسط نیروهای مزدور سازمان اطلاعات سپاه پاسداران بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شدند. این عملیات بدون ارائه حکم قضایی و با خشونت و ارباب صورت گرفته است. این بازداشت ها بخشی از روند فزاینده سرکوب و محدودسازی فعالیت های اجتماعی و سیاسی در منطقه کردستان و سایر مناطق ایران به شمار می آید.

بازداشت منصور ریگی؛ چهار روز بی خبری از سرنوشت یک شهروند اهل زاهدان

منصور ریگی، ساکن زاهدان، چهار روز پیش توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شده است. از زمان بازداشت تاکنون، هیچ گونه اطلاعی از محل نگهداری، وضعیت جسمی یا حقوقی وی در دست نیست.

بازداشت ریگی بدون ارائه حکم قضایی و بدون اطلاع رسانی رسمی صورت گرفته و موجب نگرانی شدید خانواده و افکار عمومی شده است. تلاش های خانواده اش برای پیگیری وضعیت او بی نتیجه مانده

اخبار مبارزات کارگران و جنبشهای اعتراضی ...

و هیچ نهادهای پاسخگوی سرنوشت این شهروند نبوده است.

مسابقه دو میدانی در شهر بن در حمایت از زندانیان سیاسی در ایران

مسابقه دو میدانی در شهر بن آلمان برای حمایت از زندانیان سیاسی در ایران عفو بین الملل در بن روز یکشنبه ۴ خرداد یک مسابقه دو برای آگاهی‌بخشی درباره وضعیت حقوق بشر در ایران برگزار کرد. تمرکز این برنامه به ویژه بر روی زندانیان سیاسی ایران بود. از این برنامه علی‌رغم هوای سرد و بارانی استقبال شد

"چپ" محور مقاومتی، هواداران خامنه‌ای "ضد امپریالیست!" ...

سیاوش دانشور

ادامه از صفحه ۳

فرجهای شد تا مُرده سیاسی راه برود و نمایشی سفارشی در دانشگاه برگزار کند.

آیا اینها طرفدار مردم فلسطین اند؟ قبول این صورت ظاهر نیازمند درجه بالائی از حماقت سیاسی است. این فرقه طرفدار حماس و حزب الله و متحدین جمهوری اسلامی است و نه مردم بخت برگشته فلسطین. اینها همانقدر طرفدار حقوق مردم فلسطیناند که خامنه‌ای و حزب‌الله و حماس و دیگران. اگر میبینید که مردم ایران از کارگر و زن و معلم و دانشجو هر روز توسط ولی نعمت اینها سرکوب میشود و صدای این فرقه درنمیآید و حتی به سرکوب کمک میکند و هر حرکت مردم علیه حکومت را با تحلیلهای یک مَن یک غاز "به امپریالیسم" منتسب میکند؛ نه از سر "مبارزه و مخالفت" با سیاستهای ارتجاعی و میلیتاریستی آمریکا و مؤلفین بلکه از سر دفاع از جمهوری اسلامی است.

همه مثنی ابله راست علیه کمونیستها به بهانه تحرک نمایشی و سفارشی مثنی عنصر مستقیم و غیر مستقیم هوادار رژیم، به طریق اولی علیه این عناصر مرتجع محور مقاومتی نیست بلکه اینها تسمه نقالهای برای حمله به رادیکالیسم کارگری و اجتماعی در جامعه است که سنتاً با کمونیسم و سوسیالیسم تداعی میشود. راستهای متفرقه دقیقاً مانند "محور مقاومتیهای" هوادار رژیم و بمثابه نیروهای متفرقه یک طبقه واحد، طبقه بورژوازی، باید کارنامه ضد کمونیستی شان را آماده کنند. هر کدام وظیفهای دارند اما دستور کارشان یکی است.

۲۴ مه ۲۰۲۵

اسلام و اسلام زدایی

منصور حکمت ژانویه ۱۹۹۹

فرد در اسلام، چه راستین وجه غیراز آن، بی حقوق و بی حرمت است. زن در اسلام برده است. کودک در اسلام در ردیف احشام است. عقیده از اذدر اسلام معصیت و مستوجب عقوبت است. موسیقی فساد است. سکس، بدون جواز و بدون داغ مذهب برکپل مرتکبیش گناه کبیره است. این دین مرگ و خون و عبودیت است.

ملت، ناسیونالیسم و برنامه کمونیسم کارگری

منصور حکمت

(رهبر جنبش کمونیسم کارگری)

در واقع رابطه بر عکس است. این ملت است که محصول و مخلوق تاریخی ناسیونالیسم است. ناسیونالیسم بر ملت مقدم است. اگر این تعبیر را قبول کنیم، آنگاه فوراً روشن میشود که مبارزه کمونیسم با ناسیونالیسم، نهایتاً مبارزه‌ای بر سر کشیدن ملتها به این یا آن خودآگاهی و عمل سیاسی و اجتماعی نیست، بلکه بر سر نفس تعلق و یا عدم تعلق ملی انسانهاست. بر سر رد و قبول هویت ملی است. پیروزی بر ناسیونالیسم، بدون تحقق بخشیدن به یک گذار از مقوله ملت و هویت ملی، ممکن نیست. و باز روشن میشود که چگونه فرمول برنامه‌ای "حق ملل در تعیین سرنوشت خویش" با شخصیت و شیئیت بخشیدن به مقوله ملت، بعنوان موجودیتی که از پیش دارای حقوق خاص خویش است، عملاً یک موضع تاکتیکی برای عقب راندن و خنثی کردن ناسیونالیسم را به یک برسمیت شناسی استراتژیکی هویت ملی بدل میکند و به این ترتیب به امر واقعی خود لطمه میزند.

جنبش کمونیست ایران - مکتب
Worker-communist Party of Iran - Ikkam

مرگ بر جمهوری اسلامی!

آدرسهای تماس با حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

دفتر مرکزی حزب

پروین کابلی

daftaremarkzy@gmail.com

رئیس دفتر سیاسی

رحمان حسین زاده

hosienzade.r@gmail.com

دبیر اجرایی

سعید یگانه

saidyegane@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی

ناصر مرادی

moradi.naser@gmail.com

دبیر کمیته سازمانده

سیاوش دانشور

siavash_d@yahoo.com

دبیر کمیته کردستان

صالح سرداری

sale.sardari@gmail.com

دبیر تشکیلات خارج

سعید آرمان

saeed_arman2002@yahoo.co.uk

چرخش سیاسی پایه ای کنگره دوازدهم

پ.ک.ک و پیامدهای آن

بخش اول؛ علل چرخش سیاسی بنیادی پ.ک.ک؛ سخنرانی

رحمان حسین زاده در کلاپ هاوس...

ادامه از صفحه ۷

پ.ک.ک و رهبری مستقر در قندیل که با محور مقاومت همسویی داشت و مشخصاً جمهوری اسلامی پشت جبهه آنها محسوب شده، اکنون بیش از پیش با تنگنا و محدودیت و بن بست روبرو شده است. این مجموعه فاکتورها که در محورهای بالا به آن اشاره کردم و در سه دهه اخیر اتفاق افتاده اند، زمینه ساز تئوریا و دیدگاهها و سیاستهای جدیدی است که عبدالله اوجالان از درون زندان و از مقطع دفاعیاتش تا کنون در کتابها و نوشته های خود و حاصل و فشرده آن را در پیام بیست و هفتم فوریه ۲۰۲۵ مطرح کرده است. فراخوان به پایان دادن به مبارزه مسلحانه و انحلال پ.ک.ک ریشه در این تغییر و تحولات چند لایه در جهان و منطقه و در خود ترکیه و کردستان ترکیه و به تأثیر از این اوضاع در تفکر و سیاست اوجالان و رهبری پ.ک.ک دارد. چهارچوب نظری، سیاسی، این تحول در پ.ک.ک و پیامدهای آن را در بخش بعدی مطرح میکنیم.

زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای را همه جا ایجاد کنید! در کارخانه ها و محلات شوراها را برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا ارگان حاکمیت!

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سردبیر رحمان حسین زاده

hosienzade.r@gmail.com

همکار سردبیر وریا روشنفکر

voryaroushanfekr@gmail.com

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

سردبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

هفتگی کمونیست

برنامه های **تلویزیون پرتو**، رسانه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال آلترناتیو شورایی دنبال کنید و به کارگران و دوستانتان معرفی کنید. **آدرس خط زنده:**

<https://alternative-shorai.tv>

زنده باد سوسیالیسم!